

[۱] این روزها شاهد رویارویی ایران از موضع عزت‌مداری و به‌فرمایش مقام معظم رهبری با دست برتر هستیم که در برابر قلدرمآبی قدرت‌های نوظهور با سربلندی چشمگیرش سر خم نمی‌کند. بیانیه گام دوم، تجلی میهن‌دوستی خردمندانه و مومنانه ما است که افزون بر ترسیم آینده، به شماری دستاورد‌های چشمگیر و بزرگ انقلاب مردمی ما می‌پردازد اما اکنون برخی با فراکتی می‌کوشند تا کارآمدی‌های اداری و نارسایی‌های اقتصادی را به قدری بزرگ کنند تا دیگر دستاورد‌های بزرگ ما به چشم نیاید؟

از فراز خوبی آغاز کردید، به این گزاره بپردازیم که: انقلاب ما ویژگی‌هایی دارد که انقلاب‌های دیگر ندارند. این البته بحثی طولانی است اما اشاره‌وار باید روشن کرد که واقعا ما ویژگی‌هایی داریم که در هیچ جای دنیا نیست؛ اینها ویژگی‌های تاریخی ماست، مثل آزادگی که ما همیشه ستم‌ناپذیر بوده‌ایم.

اما این‌که می‌گویید بخش‌هایی از انقلاب ما الهام‌بخش جهان و به ویژه جهان اسلام شده، نشان می‌دهد موضوع محوری و مهمی را انتخاب کردید؛ این ویژگی انقلاب به عنوان الهام‌بخش جهان، مقدمات زیادی در مورد مردم‌شناسی، ملت‌شناسی و هویت ملت‌ها می‌طلبد. ملت‌ها را از ارزش‌هایی برخوردار هستند و با ارزش‌های معنوی و مادی در کنار هم قرار می‌گیرند. میراث مشترک، آرمان‌ها و برنامه‌های مشترکی که دارند، همچنین نقاط مشترک مثلا جغرافیا، زبان مشترک، باورها و اعتقادات؛ این ملت‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد و امت را تشکیل می‌دهد.

[۲] تشکیل ملت هم که یک‌روزه و دو‌روزه یا با پروژه و اینها نیست، کما این‌که در سال‌های دهه اخیر شما می‌دانید بعضی از قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر سعی کردند که دولت‌سازی یا ملت‌سازی کنند؟

تشکیل یک رژیم و ملت، شدنی نیست. شاید با شهرک‌سازی بتوان عده‌ای را از جاهای مختلف با جاذبه‌ها یا مشوق‌هایی جذب کرد ولی آنها در آنجا ماندگار نیستند، چون ریشه در آنجا ندارند. داشتن ریشه یعنی مشترکاتی که نشانگر گذشته‌ای است که وجود دارد و آینده‌ای ملت‌ها را می‌سازد. ارزش‌های مشترک در مجموع، ملت‌ها را تبدیل به ملت‌های قوی، رشید یا ملت‌های ضعیف می‌کند که قدرت ایستادگی و پیاورد ندارند. همچنان که شما هویت فردی دارید، هویت جمعی نیز با عنوان من و ما یا ایرانی دارید؛ یعنی این من و توها در کنار هم قرار می‌گیرند و یک هویت جمعی به وجود می‌آورند.

این میناهای اقوام و ملل در قرآن آمده چون خداوند تبارک و تعالی، ملت‌ها، امت‌ها و سنت‌ها را ساخته است.

[۳] مانند اشاره به سنت الهی در سوره حشر: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؟» همچنان که فرد اگر هویت خودش را فراموش بکند «فانسا انفسهم» یعنی به فراموشی هویت و ذات خودش و خودفراموشی دچار می‌شود و همین سنت ناخودآگاهی باعث می‌شود که خودش را از دست بدهد «فانسا هم...». درباره یک ملت یعنی نسبت به هویت خودش آگاهی، هوشیاری و بیداری هویتی نداشته باشد، نسبت به مؤلفه‌های هویتی خودش دقت و حساسیت نداشته باشد و آن وقت این ملت، دچار فروپاشی می‌شود و از بین می‌رود. ما در طول تاریخ می‌توانیم از ملت‌های زیادی یاد کنیم که آمدند و رفتند ولی تنها بعضی از ملت‌ها ریشه‌دار و پایدار بودند و ماندند. از گذشته تاکنون شما می‌توانید یک رد میراث مشترک ارزشمند را ببینید که به صورت پی‌درپی و نسل به نسل در میان اینها به همدیگر منتقل شده است. ما این ویژگی را الان در ملت ایران می‌بینیم، شما می‌توانید در سده‌های گذشته و هزاره‌های قبل هم همین ویژگی‌های امروزی را در ملت ایران بازشناسید؛ مثلاً یکی از ویژگی‌های ملت ایران، موحد بودن و توحیدگرایی‌شان است که به گذشته ملت ایران برمی‌گردد. دقت می‌فرمایید! یعنی ملت ایران یک ملت موحدی بودند از گذشته و قبل از اسلام.

[۴] به همین خاطر شما وقتی که تاریخ ملت ایران را در این هزاره اخیر نگاه می‌کنید، به‌رغم یورش‌هایی که به ایران صورت گرفته، همچنان استواری خود و هویتش را نگهداشته و به آینده انتقال داده؟

به خاطر نقطه جغرافیایی و ژئوپلیتیکی که ایران در آن قرار دارد، همیشه در معرض تهاجم‌ها بوده؛ یعنی این سنت و اراده الهی بوده که در یک نقطه مهم از نظر ژئوپلیتیکی و جغرافیایی یک ملتی را با چنین ویژگی‌هایی قرار بدهد که درعین حال بتواند ایستادگی و پایداری داشته باشد.

حالا یکی دو نمونه را اگر بخواهم بگویم، حمله مغول‌ها که با تمدن انسانی و اسلامی کاری کردند که توقف شدیدی در روند آن به وجود آورد. یا در حمله جنگ‌های صلیبی که اروپایی‌ها با انگیزه‌های مذهبی در حقیقت راه انداختند و آنها هم کمتر از مغول به کشورهای اسلامی و تمدن اسلامی آسیب زدند.

ولی در هر دو حادثه بزرگ، شما می‌بینید که ملت ایران پایدار بوده و مهاجمان را با شیوه خودش جذب کرده؛ بسیاری از سران مغول‌ها و پادشاهان آنها مسلمان و حامی فرهنگی ایران می‌شوند.

این نشان‌دهنده این است که شمای ایرانی دارای یک داشته‌ها و سرمایه انباشته هستید که می‌توانید دیگران را تحت‌تأثیر قرار بدهید و آن مهاجم‌ها در فرهنگ شما هضم بشوند نه شما! یعنی ملت ایران آن مهاجم‌ها را با شیوه و روش خودش مورد تبدیل و تبدل قرار می‌دهد.

[۵] این دیگر تاریخ مسلمی است که درباره ایرانیان، همه گفته‌اند. به یک نکته دیگر هم اشاره بکنید؛ و آن زمانی که اسلام وارد ایران می‌شود؟

شما ورود اسلام را به کشورهای دیگر نگاه کنید؛ مثلاً به مصر که وارد می‌شود، مصریان کلاً زبان خودشان را از دست می‌دهند [یعنی هویت‌شان را] ولی وقتی که وارد ایران می‌شود اولاً پذیرش اسلام با جنگ و جدل نبوده و در جنگ‌های اولیه که ایرانیان با پیام اسلام آشنا می‌شوند با آزادی و پیامی که با فطرت انسان و وحدانیت هماهنگ است، با پیشینه توحیدی که ملت ایران داشته، آن را پذیرا می‌شوند. اسلام و ایران به همین خاطر خدماتی متقابل دارند.

[۶] دوران اسلامی افسانه‌ای (قرون سوم و چهارم و پنجم هجری)، عصر طلایی جهان اسلام و جهان بشریت است که همزمان با قرون وسطای اروپاییان بود که خودشان از آن به عنوان دوران توحش یاد می‌کنند.

دوران قرون وسطای اروپاییان از علم و فرهنگ و انسانیت خیلی به‌دور است و اولیات بهداشت و سلامت در بین آنها نیست. بروید کتاب‌هایی را ببینید که در تاریخ جهان نوشته شده. مثل تاریخ تمدن ویل دورانت که اشاره می‌کند وضعیت کشورهای اسلامی در چه حدی از فناوری، علوم پزشکی، جراحی، داروسازی، مهندسی، نجوم، علوم انسانی، فلسفه، کلام و... بوده است.

آنها در آن زمان در مرزهای دانش بودند

و مرجعیت علمی داشتند و شما هم که اشاره کردید بیش از ۸۰ درصد دانشمندان جهان اسلام ایرانی بودند. شگفت‌انگیز است که ۸۰ درصد یک تمدن، دانشمندان، فناوران و صاحبان دانش و علوم ایرانی باشند. معلوم است که روی آن ۲۰ درصد دیگر هم تأثیرگذار بوده و بسیاری از آن ۲۰ درصد جزو شاگردان دانشمندان مسلمان ایرانی بوده‌اند. در جنگ‌های صلیبی، واپکینگ‌ها به اسم جنگ مذهبی و صلیبی وارد جهان اسلام می‌شوند و دست به کشورگشایی و کشتار و قتل و غارت می‌زنند. یکی از کارهایی که می‌کنند سرقت منابع بوده، چه منابع مادی و چه منابع معنوی مثل کتاب‌ها، اختراعات و... این باعث می‌شود افق جدیدی برای آنها گشوده شده و رنسانس و نوزایی از همین‌جا شروع می‌گردد. این مسأله ریشه تحولات بعدی است که در سده‌های ۱۶ و ۱۷ رخ داد و بعد به انقلاب صنعتی و تمدن شگرف و شگفت‌انگیز غرب و پیشرفت‌های علم و فناوری منجر شد. همه اینها از مسیر آشنایی با تمدن اسلامی است که سهم دانشمندان ایرانی مسلمان در آن بسیار بالا و چشمگیر [و غیرقابل مقایسه با دیگر ملل مسلمان] است.

[۷] از مردم زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند کمتر ملتی دیده شده که توانسته باشد کار را به نهایت برساند و به جز تغییر حکومت‌ها در ادامه بتواند آرمان‌های انقلابی را حفظ کند. اما چرا ما ایرانیان باز هم استثنا هستیم؟

انقلاب ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است تنها انقلابی است که یک چله پل افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر گذاشت و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند از کرامت، اصالت و شعارهای خودش صیانت کرد و در حالی وارد چله دوم می‌شود که داشته‌های خودی، موارث ملی و مباحث مذهبی و دینی را حفظ کرده. ملت ایران یک ملت مسلمان است که ویژگی‌های ایرانی بودن و اسلامی بودن خود را حفظ کرده.

[۸] هویت ملی ایرانی را در راستا و از افق بیانیه گام دوم بیان می‌فرمایید؟ به‌ویژه که این بیانیه به قدری واقع‌گرا و خردپذیر است که جای تحسین دارد و این‌که برپایی تمدن نوین رویا نیست و دیگران حتی ناقدان این بیانیه به عقلانی و واقع‌گرا



عسناد خج‌پور
جام جم آنلاین

بودنش تأکید دارند.

اشاره خواهم کرد ما یک پیشینه تمدنی داریم. این پیشینه تمدنی در دو مقطع بوده که ما بیشتر به قرن سوم و چهارم هجری می‌پردازیم. در قرن دهم به بعد هم این تجلی تمدنی بوده که دانشمندان بزرگی دوباره باز از ایران سر برمی‌آورند. پس یک سابقه تمدنی داریم که این را کسی انکار نمی‌کند. پیشینه‌اش هست؛ پیشینه‌ای که نمی‌توانند آن را از بین ببرند. تاریخ و تمدن ما همان‌گونه که تأکید کردید تمدن مادر بوده و تمدن‌های دیگر را پرورش می‌داده. پس ما یک سابقه تمدنی داریم و این سابقه، امکان‌پذیری باززایی آن را برای دوره‌های بعدی به شرط‌ها و شروط‌ها امکان‌پذیر می‌کند. پس اگر یک بار اتفاق افتاده، دوره‌های بعد هم امکان دارد اتفاق بیفتد.

۸۰ درصد دانشمندانی که تمدن اسلامی-ایرانی را ساختند ایرانی بودند و این سنت و فرهنگ و دانش و زیرساخت را منتقل کردند تا نسل به نسل چرخید و به نسل انقلاب اسلامی رسید.

در بروز انقلاب اسلامی عامل اصلی خود ملت بزرگ و رشید ایران است که مبتنی بر ارزش‌ها و عقلانیت خودش انقلاب کرد [که ساعت‌ها می‌شود پیرامون مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن از جنبه‌های مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی بحث و گفت‌وگو کرد].

باور دارم که در این زمینه کم کار شده و برجسته‌سازی لازم دارد. این نکته را هم بگویم که گرفتار ناسیونالیستی و بزرگ‌نمایی نیستیم وقتی درباره هویت ملت ایران بحث می‌کنیم.

ملت ایران دارای یک هویت اسلامی و یک هویت ایرانی و یک هویت انقلابی است. برای این‌که ملت ایران یک سابقه دیرینه تاریخی دارد. ایرانی

اکنون ایران ما ویژگی‌هایی دارد که هیچ نظام دیگری آنها را دارا نیست. سلطه‌پذیر نبودن مردم ما در مقایسه با دیگر ملت‌ها ویژگی شگفتی است؛ عزت ملی ما که خیلی شگفت‌انگیزتر است؛ به این خاطر با بهای سنگینی توانستیم به عزت و افتخاری برسیم که به‌ویژه از دوران قاجار و پهلوی با کنشگری‌های بزرگ اجتماعی مانند مشروطه، خواهان آن بوده‌ایم. روز

است و همین عنصر ایرانیت مؤلفه‌های فراوانی مانند زبان، شعر، اسطوره، اماکن و افسانه‌ها دارد و همه اینها جزو آن هویت و پیشینه است.

مردم ایران اسلام را پذیرفتند. ویژگی‌های اسلامی، توحید و نبوت و قرآن است. تشیع هم ویژگی خاص خودش را دارد که خیلی برجسته است و به قول شما اسلام ناب محمدی است. مردم ایران قرائتی از اسلام را پذیرفتند که مبتنی بر قرائت اهل بیت (ع) است که بی‌واسطه با پیامبر (ص) وصل بودند و ایشان با مبدء وحی متصل هستند.

ویژگی‌هایی که اینجا به عنوان ویژگی‌های هویتی مطرح است به عنوان ملت مسلمان ایران باعث شد چنین انقلابی را پایه‌گذاری کنند. یعنی ویژگی‌های انقلابی، استکبارستیزی، حمایت از مستضعفین و مظلومین، ایستادگی و ستم‌ناپذیری که شما اشاره کردید. همه اینها برگرفته از همان مباحث فطری است.

[۹] اشاره کنید به تفاوت ویژه‌ای که هویت ملی ایرانیان با سایر هویت‌ها و سایر ملل و حتی مسلمان‌ها دارد. بدین معنا که این همه داشته اگرچه به ایرانیان امتیاز و تشخیص می‌دهد اما این همه والا‌یی و ویژگی نه برای دور کردن و دافعه بلکه برای جذب و انجذاب و دعوت است.

ملت ایران درباره هویت اسلامی تمام ملل